

علم أصول الفقه

٣٣

١٣-١٠-٩٣ ظهور

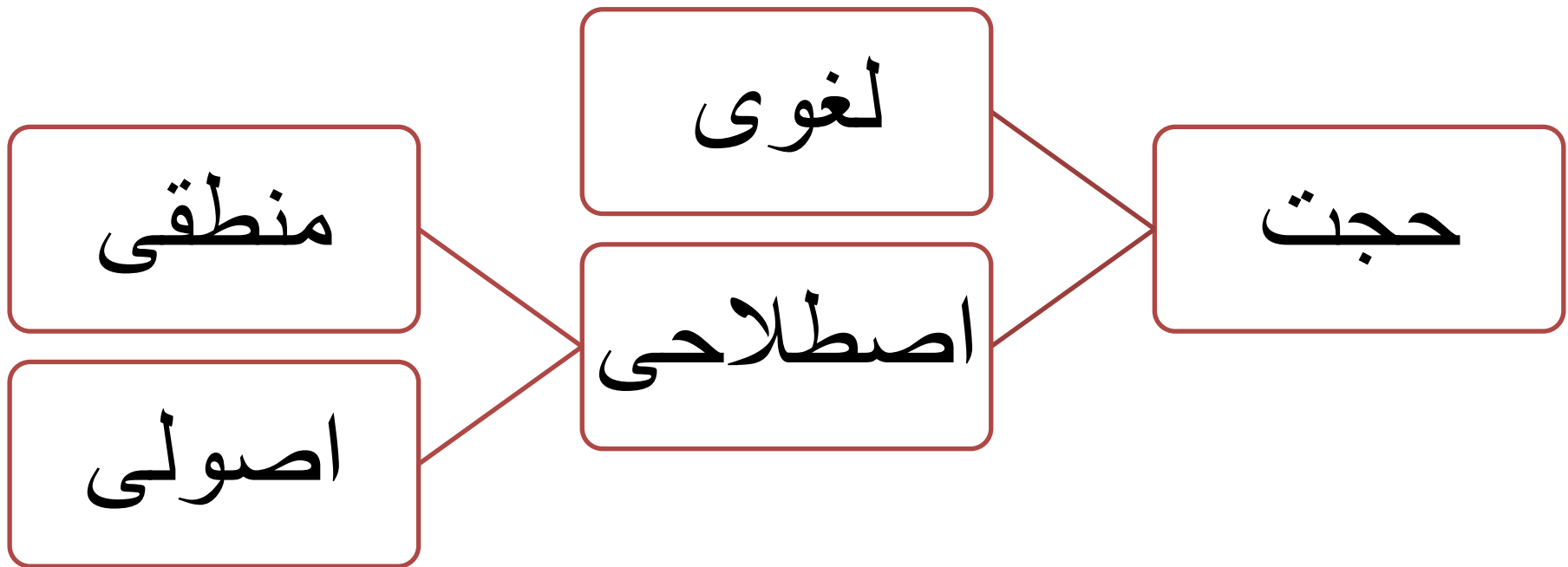
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

توهمات منكران

- وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (٦)
- لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَأَيْكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (٧)
- مَا نُزِّلُ الْمَلَأَيْكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ (٨)
- إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (٩)

توهمات منكران

- وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ (١٠)
- وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (١١)
- كَذَلِكَ نَسُكُّهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (١٢)
- لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ قَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (١٣)
- وَ لَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ (١٤)
- لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ (١٥)

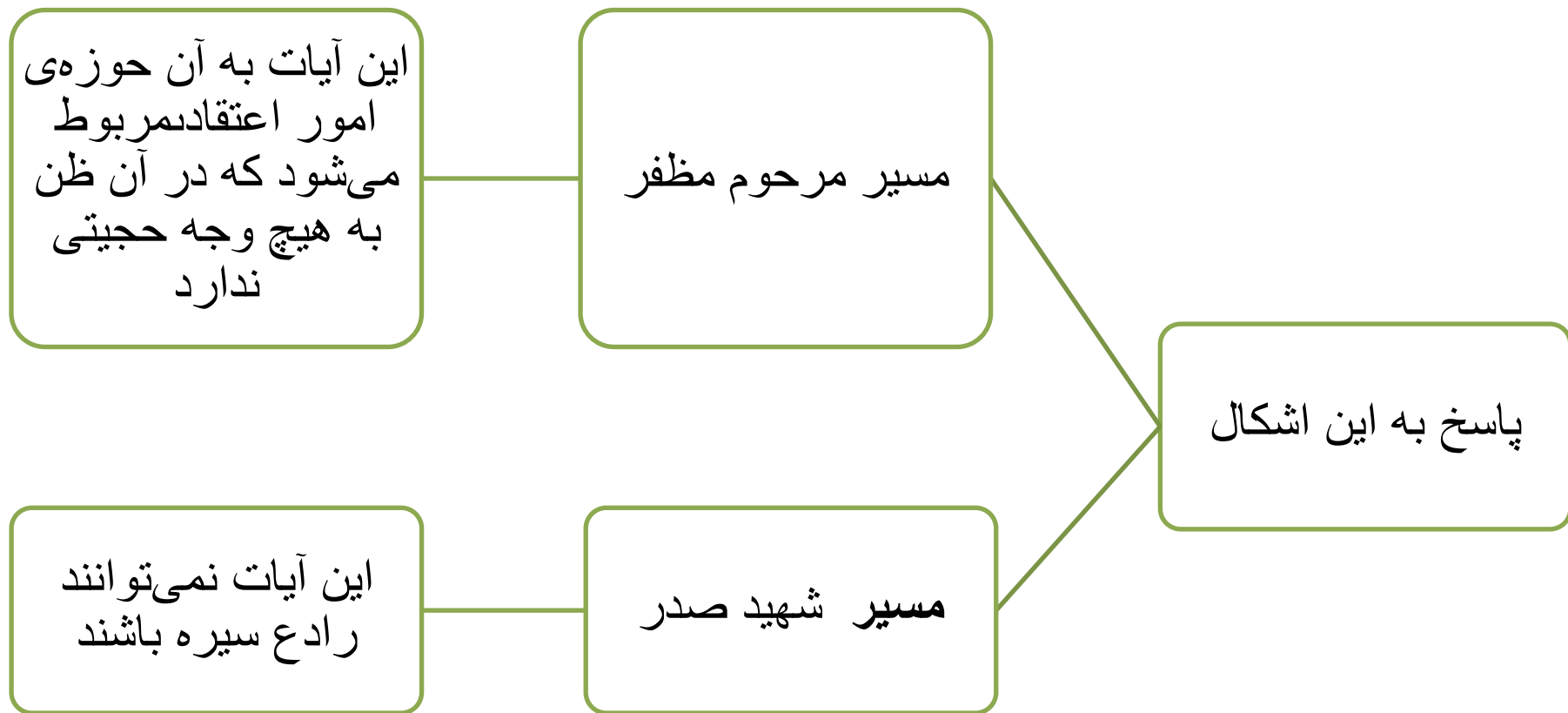


ردع حجيت ظاهر

رادع حجيت ظاهر
يا خير واحد

ان الظن لا يغنى
من الحق شيئاً يا
ان يتبعون الا
الظن يا قل الله
اذن لكم ام على
الله تفترون

ردع حجیت ظاهر



ردع حجیت ظاهر

نقد مسیر اول

آیات پیش گفته در موردی
به کار رفته اند که يك امر
اعتقادی مطرح بوده است.

ادعا:

ردع حجیت ظاهر

مورد مخصوص
وارد نیست

علت ظهور در
اعم از معتل دارد

اشکال

ردع حجیت ظاهر

تمسك به این نوع ادله
برای نفی حجیت ظهور
دور به همراه دارد

اشکال مرحوم آخوند

ردع حجیت ظاهر

البته این بیان دور
مصطلح نیست.

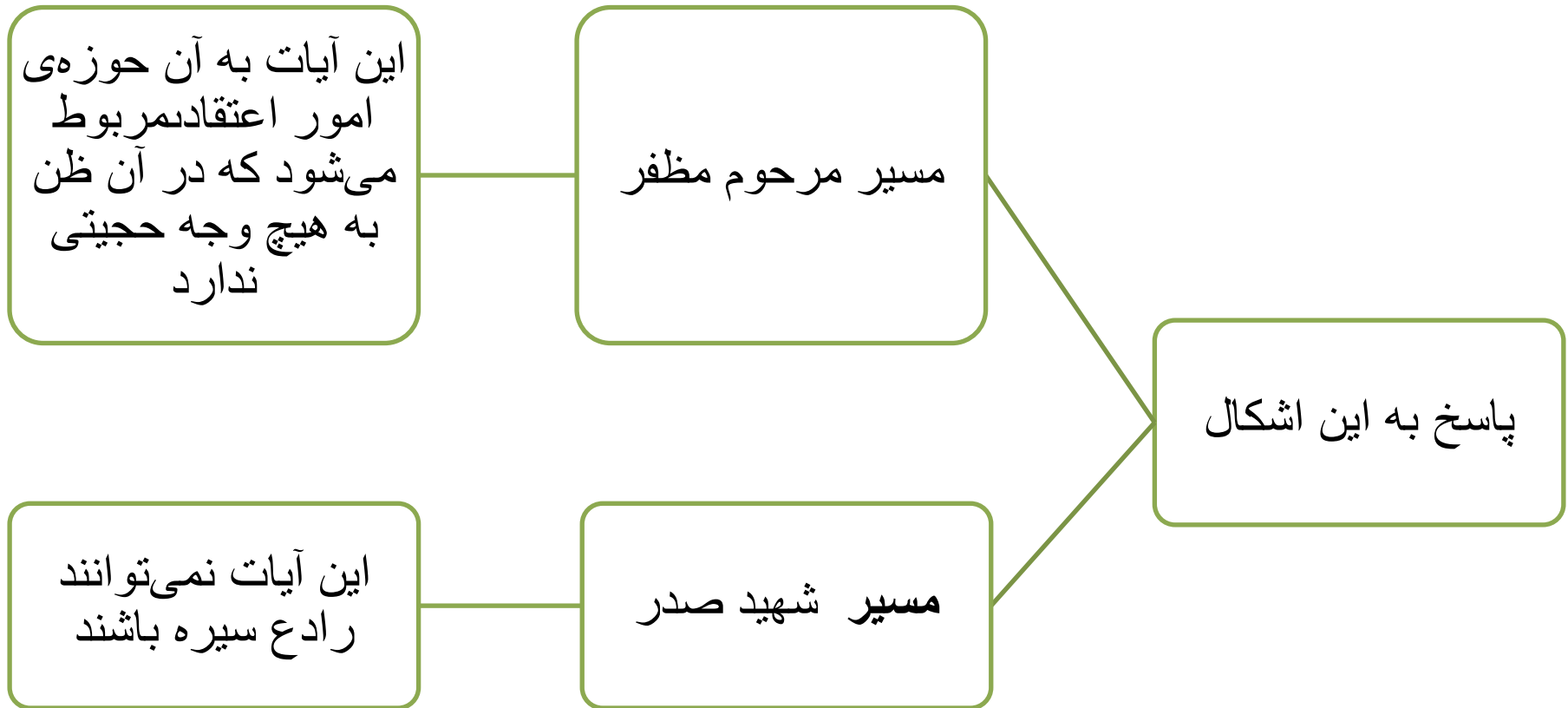
وجود يك شيء
متوقف بر وجود
خودش

دور مصطلح

ما يلزم من وجوده
عدمه

دور در کلام آخوند

ردع حجیت ظاهر



سیره منتشره

سیره عقلا

دلیل حجیت
ظهور

سیره عقلا در باب ظواهر

- بیان شد که دلیل ما بر حجیت ظهور، سیره و ارتکاز عقلایی است شارع آن را امضاء کرده است. به دو نکته در اینجا باید توجه کرد:

سیره متشرعه در باب ظواهر

- نکته اول
- ما این مطلب را قبول داریم که متشرعه هم به ظواهر عمل می‌کردند و متشرعه نه تنها در امور عادی و عقلائی خودشان، بلکه حتی در امور شرعی هم به ظواهر عمل می‌کردند. عمل متشرعه به ظواهر حتی در حوزه شرعیات، نشأت گرفته از تشریح آن‌ها نیست، بلکه ناشی از حیثیت عقلائی آن‌ها است.

سیره عقلا در باب ظواهر

- نکته دوم
- در بحث ظهور یک سیره عملی داریم و یک ارتکاز نظری؛ یعنی از یک سو عقلا در عمل به ظواهر سخن یکدیگر احتجاج می‌کنند که این سیره است و در مقام عمل ظهور و بروز پیدا می‌کند و از سوی دیگر به لحاظ نظری احتجاج به آن را جایز و به جا می‌شمارند. آن گاه که می‌گوییم شارع ردعی نکرده است و عدم ردع او کاشف از امضاء است، این امضاء نه تنها نسبت به سیره عقلا، بلکه نسبت به ارتکاز عقلا هم وجود دراد.

سیره عقلا در باب ظواهر

- با توجه به این دو نکته، پرسش هایی مطرح است. همه این پرسش ها به این بر می گردد که دامنه حجیت ظهور تا چه حد است. آیا هر ظهوری را در بر می گیرد یا نه؟ چون دلیل ما بر حجیت ظهور، سیره و ارتکازی است که توسط شارع امضا شده است.
- سیره و ارتکاز جزء ادلة لبیّ به حساب می آید. پس ما یک دلیل لفظی نداریم که بتوانیم در موارد مشکوک به اطلاقش تمسک کنیم. ادلة لبی فقط مقداری متیقن را اثبات می کنند.

سیره عقلا در باب ظواهر

- بنابراین اگر ما در جایی شک داشته باشیم که آیا فلان ظهور مشمول دلیل حجیت ظهور است یا نه، همین شک کافی است در اینکه مشمول دلیل حجیت ظهور نباشد.

سیره عقلا در باب ظواهر

- گاهی تنها منشأ ظهور لفظ است که در اصطلاح به آن **ظهور لفظی** می‌گوییم و زمانی این ظهور متکی به لفظ است؛ اما لفظ تنها عامل این ظهور نیست، بلکه امور غیر لفظی و شرایطی که وجود دارد هم در پیدایش این ظهور دخالت دارند.
- از این ظهور به «**ظهورِ حال معتمد بر لفظ**» تعبیر می‌کنیم

سیره عقلا در باب ظواهر

- گاهی هم ظهور به هیچ وجه ارتباطی به لفظ ندارد. فقط یک شرایط و حالات خاص است که چنین ظهوری را در پی دارد که از آن به «**ظهور حال**» تعبیر می کنیم

سیره عقلا در باب ظواهر

- یکی از ظهورات حال معتمد بر لفظ، ظهور اطلاقی است. در بحث اطلاق خواهیم گفت که اطلاق، دلالت سکوت است نه دلالت سخن؛ البته مطلق سکوت هیچ اطلاقی ندارد و مقصود از سکوت در بحث اطلاق آن است که شارع سخنی می‌گوید؛ ولی بعضی چیزها را نمی‌گوید؛ یعنی نسبت به آن‌ها سکوت می‌کند در اینجا سکوت شارع در کنار آن بیانش معنادار است.

سیره عقلا در باب ظواهر

- این معناداری در فرض وجود یک سری شرایط خاصی است که در اصطلاح به آن **مقدمات حکمت** می‌گوییم؛

سیره عقلا در باب ظواهر

- مثلاً شارع امر به عتق رقبه می‌کند؛ «أعتق رقبة» و مقید نمی‌کند که این رقبه مسلمان باشد و همچنین در مقام آن است که تمام خصوصیات تکلیف را برای ما توضیح بدهد و قرینه‌ای هم بر تقیید به صورت منفصل یا به طور متصل ذکر نمی‌کند.
- در اینجا می‌گوییم معلوم می‌شود که **رقبه** مورد نظر شارع اعم از مؤمن و غیر مؤمن یا مسلمان و غیر مسلمان است.
- با این توضیح این ظهور به نوعی ظهور حال شارع است که بر لفظ تکیه دارد و آن را جزء **ظهورات لفظ** به حساب می‌آوریم؛ هر چند که در واقع منشأش وضع نیست.

سیره عقلا در باب ظواهر

- ظهور عبارت عام در شمول چنین نیست؛ برای مثال می‌گوییم کلمة «أى» برای شمول بدلى وضع شده است.
- در حقیقت دلالت این لفظ در اینجا بر شمول به سبب وضع است. پس ظهور عام یک ظهور لفظی محض است.